

یکی از مسائلی که از دیرباز در محافل سیاسی و دانشگاهی محل بحث و بررسی بوده تعریف دقیق مفاهیم انقلاب، انقلابی‌گری و نسبت آن با عقلانیت است؛ موضوعی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران اهمیتی دوچندان یافته و ذهن نظریه پردازان حوزه‌های اجتماعی و سیاسی را به خود معطوف کرده است

در کنار بحث‌های نظری در باب انقلاب اسلامی ایران، انقلابی‌گری و نسبت آن با عقلانیت انقلابی که دراندیشکده‌ها و مراکز علمی و آکادمیک داخل و خارج سؤالات بسیاری را به دنبال داشته است، طیف‌های سیاسی مخالف انقلاب اسلامی با کمک سازمان‌ها و رسانه‌های معاند و اپوزیسیون به طرح شبهاتی پیرامون انگیزه‌های انقلاب و کم و کیف آن پراخته‌اند تا القا کنند که انقلاب اسلامی ایران و پارادایم انقلابی‌گری مبتنی بر باورهای دینی با عقلانیت بیگانه است.

متأسفانه با گذشت بیش از ۴ دهه از حیات انقلاب اسلامی ایران هنوز برخی پادوهای داخلی غرب در گوشه و کنار سعی می‌کنند به این شبهات دامن زده و در مبانی انقلاب، آرمان‌ها، اهداف و دستاوردهای آن تشکیک کرده و هر چه که رنگ انقلابی بودن به خود می‌گیرد را تخطئه کنند.

چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فرصت مغتنمی برای واکاوی و بررسی این موضوع است که عقلانیت انقلابی چیست؟ چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی داشته و اساساً انقلاب و عقلانیت چه نسبتی با یکدیگر دارند؟

**انقلاب اسلامی ناشی از یک عقلانیت بود**

گرچه جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان سیاسی هنوز تعریف همه‌جانبه و واحدی از مفهوم «انقلاب» ارائه نداده‌اند و هنوز که هنوز است انقلاب اسلامی ایران برای آنان کاملاً غریبه و با منتر و معیارهای علمی آنها غیرقابل فهم است اما بسیاری از آنان بر الهی، معنوی و اعتقادی بودن انقلاب ۵۷ وحدت نظر دارند. میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی می‌گوید جز باورهای دینی هیچ عامل دیگری قدرت بسنج توده‌ها را ندارد و این مذهب تسبیح است که با تکیه بر موضع اعتقادی خود توانسته این چنین بسنج سیاسی به راه‌اندازی او می‌گود «ایرانی‌ها از خلال انقلاب در جست‌وجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند و انقلاب اسلامی ایران برای معنویت‌گرایی است.»

یا مثلاً پروفیسور برنارد لوئیس، مشهورترین نظریه‌پرداز یهودی‌تبار آمریکایی هم به مسئله دینی بودن انقلاب ۵۷ اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در سال‌های آغازین بر پایِ جمهوری اسلامی، این اسلام، اساس اعلام شده هویت و وفاداری بود.

هدف سیاست خارجی و همچنین سیاست دولت را به صورت کلی، تجدید حیات اسلام، تثبیت مجدد قدرت و عظمت اسلامی به وسیله توسعه دامنه انقلاب اسلامی و احیای اعتقاد و حقوق اسلامی، تشکیل می‌داد.»

در باب توصیف و تحلیل انقلاب اسلامی ایران از این قبیل نمونه‌ها که به وجود جنبه‌های «عمرقنی و معنوی» در انقلاب تاکید کرده‌اند، به موارد بسیاری می‌توان اشاره کرد اما نکته قابل تامل آن است که در همین بستر می‌توان پررنگ بودن «عقلانیت انقلابی» در انقلاب ۵۷ را ارزیابی کرد.

رهبرانقلاب در این باره میفرماید: «انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این طور نبود که مردم همین طور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و فکر قاری شده بود.»

این نکته باید اضافه شود که مطالعات تطبیقی درباره انقلاب‌های دنیا حاکی از آن است که در انقلاب بزرگ مثل انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، انقلاب ۱۹۴۹ چین و انقلاب ۱۹۶۲ الجزایر، کشورها در بدترین شرایط اقتصادی، سیاسی، نظامی و حمایت بین‌المللی بوده‌اند اما ایران برخلاف آن کشورها در شرایط مزبور (اقتصادی، نظامی و حمایت بین‌المللی) در وضعیت مطلوبی بوده است و صرفاً از جهت سیاسی، با نظر مشروعیّت و مقبولیت مردمی در شرایط خوبی قرار نداشته است.

به عبارتی انقلاب اسلامی ایران، ماحصل محاسبه و تحلیل عقلانی مردم انقلابی بوده است که به استکبار و استعمار و وابستگی طاغوت «نه» گفتند و سمفونی «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» نواختند.

محاسبات فکری مردم ایران آنان را به این تحلیل عقلانی سوق داد که پیشرفت و سعادت با حکومتی که آزادی و معنویت را از مردم سلب کرده و با مفاهیمی چون خود‌کفایی،

### بررسی جایگاه و شاخص های عقلانیت انقلابی



استقلال، مردم داری و مردم خواهی بیگانه است، حاصل نمی‌شود و تنها راه توسعه و کمال خود و جامعه، پیوستن به نهضت امام خمینی(ره) است.

بر اساس همین محاسبات فکری و تحلیلی بود که مبارزات ملت ایران و انقلابی بودن و انقلابی عمل کردن آنها فی‌نفسه توانست از پیوست و توضیح عقلانی برخوردار شود.
**احیای عقلانیت در جامعه یکی از نتایج انقلاب اسلامی ۵۷**

یکی از این شعارهایی که امام خمینی(ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همگان را به آن سوق و سرلوحه نهضت اسلامی قرار داد، شعار ضدآمریکایی بوده، شعاری که مبتنی بر عقلانیت و دوراندیشی مردم ایران بود. به قول رهبر انقلاب «این شعار ضدّ آمریکایی، این فریاد کشیدن بر سر آمریکا از روی تعصب نیست، از روی جهالت نیست، از روی لجبازی نیست؛ از روی منطق است؛ منکی به یک پشتوانه و عقبه منطقی و فکری است.»

از اینرو می‌توان گفت یکی از نتایج انقلاب اسلامی ایران که باعث تحولات عظیم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران شد و نیز تأثیر شگرفی در سطح جهانی به وجود آورد، احیای عقلانیت انقلابی در جامعه بود؛ گزاره‌ای که طی ۴۲ سال گذشته بارها بر بوم‌رنگ اجتماعات و رفتارهای سیاسی

رهبر معظم انقلاب در این خصوص فرموده‌اند: «انقلاب اسلامی، نتیجه گفتمان عقلانیت و محاسبه و تحلیل عقلانی مردم انقلابی بوده است.»
چه آنکه «کتاب امام (ره)، مبتنی بر معنویت و عقلانیت و عدالت است و نقشه و راه اصلی حضرت امام (ره)، بنای یک نظم مدنی- سیاسی براساس عقلانیت اسلامی بود.»

ایشان یک جایی هم به نکات دقیقی اشاره کردند و فرمودند: «عبرت دینی اساساً ناشی از بصیرت است، که بصیرت یک شبهه‌ای از عقلانیت است و نشان‌دهنده عمق دینداری است و در اغلب موارد این عبرت دینی وقتی شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که با عقلانیت همراه است. شخصیت‌هایی که بیشترین عبرت دینی را دارند، اینها غالباً دارای عقلانیت بالا هستند؛ نمونه‌اش شخص امام بزرگوار؛ اوج عبرت دینی

### سلام بر انقلاب



# انقلاب و عقلانیت

# مردم بی حساب و کتاب به خیابان نیامدند!

بود، واقعا هیچ‌کس را ما ندیدیم و نشناختم که از لحاظ عبرت نسبت به دین و فرهنگ دینی و زندگی دینی و سبک زندگی دینی و احکام دینی مثل امام بزرگوار باشد؛ در عین حال در

اوج عقلانیت بود؛ خردمند، عاقل و دانشمند.»

**عقلانیت انقلابی در پیش و منش امام‌خمینی(ره)**

امام خمینی(ره)، معمار بزرگ انقلاب اسلامی ایران، رهبری‌اندیشمند و انقلابی بود و منظومه فکری و سیاسی او بر سه رکن عقلانیت، معنویت و عدالت استوار بود. یکی از وجوه شخصیتی ایشان- از آغاز نهضت اسلامی تا پیروزی انقلاب اسلامی و پایان حیات پربرکت خود- انقلابی بودن براساس منطقی عقلانی بود.

در واقع بر خلاف آنچه برخی طیف‌های سیاسی (به ویژه خط امامی‌های دیروز یا همان اصلاح‌طلبان رادیکال و ضد انقلاب‌های امروز) سعی می‌کنند با ارائه تصویری کاریکاتوری از اسلام و پایان حیات پربرکت خود- انقلابی بودن براساس منطقی عقلانی بود.
در واقع بر خلاف آنچه برخی طیف‌های سیاسی (به ویژه خط امامی‌های دیروز یا همان اصلاح‌طلبان رادیکال و ضد انقلاب‌های امروز) سعی می‌کنند با ارائه تصویری کاریکاتوری از اسلام و پایان حیات پربرکت خود- انقلابی بودن براساس منطقی عقلانی بود.

جریان تحریف از همین زاویه یعنی تفکیک بین «قوه عاقله» و «احساس و غریزه»، انقلابی‌گری را مترادف احساس

و غریزه و منافی با عقل معرفی می‌کنند.
انحنی حتی با رافراز از این گناشته و به پهنانه مصطلحات‌اندیشی و اعتدال خواهی، «عقلانیت» را به مفاهیمی چون محافظه‌کاری، سنازش، انفعال گره می‌زنند و «انقلابی‌گری» را با هیجان و و رادیکالیسم جمع می‌کنند و می‌گویند کار عقلانی با انقلابی‌گری جسیم نمی‌شود!

در مطلبی که پیش از این نوشته‌بودم به برخی نمونه‌ها دربارۀ مدیریت اسام خمینی(ره) که تابعی از «عقلانیت انقلابی» بود، اشاره کرده بودم که سرور بخش‌هایی از آن خالی از لطف نیست.

امام خمینی(ره) از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در همه مسائل اجرایی، ولایت تام و تمام داشت؛ ولایتی مبتنی بر عقلانیت انقلابی که دراندیشه و عمل حکومتی او در سه دوره

صفحه ۸

یک‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۰

۴ رجب ۱۴۴۳ - شماره ۲۲۹۵۹

نیروهای مسلّح و تعیین انواع ابزارهای دفاعی، همه بر اساس محاسبات درست و منطقی است؛ یعنی بر اساس عقلانیت است.»

رهبر انقلاب در باب دشمن شناسی و دشمن‌ستیزی هم به نقد کسانی می‌پردازدکه عقلانیت را مترادف با سازش تعریف می‌کنند. ایشان می‌گویند این عده «خیال می‌کنند عقل اقتضای می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته قوم‌یافته این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد.»
تکاهمی به جایگاه عقلانیت در منظومه فکری و نظری آیت‌الله خمنه‌ای و جست‌وجوی این مضمون در مجموعه بیانات و مکتوبات رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد که یکی ازغدغه‌های مهم معظلم‌ه در طول سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تبیین و تعریف دقیق عقلانیت انقلابی و تعابیری مانند انقلابی‌گری واقعی، انقلابیون مثبت، انقلابی بودن و انقلابی ماندن بوده است.

**عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد**

رهبر انقلاب در ۸۴/۶۱۸ در دیدار اعضای هیئت دولت می‌گویند: «عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرسق دارد. محافظه‌کار، طرف‌دار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هر گونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگر گونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست؛ محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سال‌های منته‌ای- به تعبیر رایج امروز- یک گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی در بین مردم به وجود آمده بود و منتهی شد به اینکه نیروهای مردم را استخدام کنند و به میدان جهاد عظیم بیاورد و در مقابل آن دشمن صف‌آرایی کند و بر آن دشمن پیروز کند. بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است. الان هم همین‌طور است. الان در نظام ما برخی از تحولات هست که مُنتجه یک نگاه عقلانی و دقیق و موشکافانه به وضع موجود و وضع دنیاست، من در زمینه مسائل گوناگون این را دارم مشاهده می‌کنم. حالت خواب‌رنگی و تسن دادن به آنچه در جریان عمومی سیاسی و اقتصادی دنیا دارد می‌گذرد و تسلیم شدن به آن. خطر بزرگ جامعه مامت و اگر کسی درست بفهمد و ببیندش، می‌فهمد که باید با یک تحرک و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه مسائل اقتصادی، هم در زمینه مسائل سیاسی. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه عقلانی را با محاسبه محافظه‌کارانه به‌هیچ‌وجه مخلوط نکنید؛ این‌ها دو چیز است.»

**پیوستگی انقلابی‌گری و عقلانیت**

ایشان در ششم خرداد سال جاری در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مضمون عقلانیت انقلابی و پیوستگی انقلابی‌گری و عقلانیت اشاره کردند و گفتند «در گذشته هم داشتیم، امروز هم داریم- انقلابی‌گری را با رفتار هیجانی اشتباه می‌گیرند، با حرف‌های غیرمسئولانه اشتباه می‌گیرند؛ نه، انقلابی‌گری این نیست؛ انقلابی‌گری آن روحیه اقدام صحیح، عازم، و جازم در جهت درستی است که با عقلانیت برخاسته از روحیه انقلابی‌گری ترسیم شده. ببینید، امام بزرگوار ما الگو است؛ امام(ره) از همه انقلابی‌تر بود؛ خب ماها از اول کار در خدمت این قُتیبه بودیم؛ واقعا ماها کم می‌آوردیم، آتا اسم هجوت‌کم نیارود؛ از همه انقلابی‌تر امام بود، از همه عاقل‌تر هم امام بود؛ از همه عاقل‌تر بود، از همه پخته‌تر و سنجیده‌تر کار می‌کرد و حرف می‌زد.»
رهبر انقلاب شهریور سال جاری نیز در اولین دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت سیزدهم به مضمون عقلانیت انقلابی و پیوستگی انقلابی‌گری و عقلانیت اشاره کردند و فرمودند: «انقلابی بودن حتماً بایستی همراه باشد با عقلانیت که شیوه صحیح جمهوری اسلامی از اوّل کار تا امروز این بوده که حرکت انقلابی با حرکت‌اندیشیه‌ورزانه و عقلانی همراه باشد.»



ایران بدون کسب مجوز از مستشاران آمریکایی، اجازه واگذاری این تفنگ‌های دستی و کالیبر پاتین را هم نداشته است. این مهم را شخص شاه، به تیمسارهایش گوشزد می‌نماید.

۳) قسمتی از اقلام نظامی فروخته شده شامل بیل، کلنگ، چادر، قمقمه و دیگر وسایل انفرادی بوده است.

۴) حسب ظاهر، وزارت جنگ حکومت پهلوی اشراف دقیقی بر وضعیت داخلی نیروها نداشته‌است چرا که در مقطع بررسی اقلام و تسلیحات مورد درخواست کشور سومالی متوجه آمار کسری یگانهای تابعه ارتش شاهنشاهی می‌گردند. به عبارتی دیگر، محدود تولیدات وزارت جنگ، تکاپوی نیروهای ارتش و سایر قوای انتظامی را نیز نمی‌نموده است. به طور حتم و بدون هیچ‌گونه تردینی، اگر وزارت جنگ و صنایع نظامی رژیم پهلوی تولیدات قابل عرضه دیگری در حوزه صنعت نظامی داشتند، در این لیستهای فروش با کمک بلاعوض، گنجانده می‌شدن. بنابراین کاملاً مشخص و واضح است که بضاعتی بیشتر از این نداشتند.

# گزارش ساواک از شنود مواضع آیت‌الله صافی درباره شاه

محلّاتی را گرفته؟ خزعلی را گرفته بود؟ و هر روز طلبه‌ها را می‌کشید آنجا به سازمان؟ این همان شاهی است که با ثریا آمده بود؟ این همان شاه است؟ این همان آقای بروجردی است. آقای بروجردی کسی این کارها را کرده بود؟ آدم خوبی بود. این شاهی است که رسماً به طلبه‌ها می‌گوید بروید مروج اصول انقلاب(سفید) باشید. به‌عنوان اصول انقلاب مواد اصلی و این معنای فرمایش شما را کار ندارم، می‌خواهم بروم. دوازده ماده بر خلاف شرع اسلام دارد.ترویج می‌کنند.

و آن تلگرافی که برای حکیم کرد، غیراز این تلگراف است و اضافه می‌کند آقا؛ شاهی که تلگراف کرد به آقای حکیم، صد مرتبه کفرش ثابت شد و در این کنفرانس چیزی برای ما باقی نگذاشت و علناً علیه مخالفت با اسلام را بلند کرده دیروز رسماً گفته موقوفات را بفروشید. این چه دینی است؟ این شاه خوب است؟ این شاه خوبی است؟ شما می‌گویید این شاه رسماً، و در خاتمه خطاب به گلبایگانی که اکثراً سکوت اختیار کرده بود، گفت اگر شما به ختم بروید یک عده تعریف می‌کنند و یک عده تکذیب. می‌خواهید بروید و منی‌خواهید نروید. ولی عقیده‌ام این است که اگر فردا بروید، جمیل از حکیم نیست. همین الان بروید. آل‌طسه می‌گوید هم امروز بروند هم فردا و جریان را از حالت عادی خارج نکنند. گلبایگانی به صافی می‌گوید بعضی‌ها حساسیت دارند. صافی می‌گوید یک بنده حساسیت ندارم.»

می‌شود. گلبایگانی می‌گوید عنوان این(شرکت کردن در مجلس شش‌ریمتمداری) ترویج از ایشان نمی‌شود یا تصدیق آل‌طه اظهار می‌کند که این کاری که آنها کردند خرابیش بیشتر از آبادیش می‌باشد و اضافه می‌کند اینکه من می‌گویم جنگ راه می‌افتد و جنگ اساس حوزه را به هم می‌زند و جنگ که راه افتاد اساس اسلام هم از بین می‌رود. گلبایگانی در جواب آل‌طه می‌گوید بله زد و خورد می‌شود. لطفالله صافی به‌صورت استهزاه به گلبایگانی می‌گوید مثنی شما از این به بعد باید مثنی تبعیت باشد و کار چاق کن شاه باشد. بین‌الفی بود. الان سعه ماه است حاجی آقا را گرفته‌اند(علی‌صافی) کسی نرفته. آل‌طه اظهار می‌کند یک مرتبه جنگ شروع می‌شود در یک بَین‌الفی. سیدمهدی می‌گوید این بین‌الرشد ولی این امر بین‌الفی نیست. لطفالله صافی می‌گوید طلبه‌ها امتحان بدهند میرت است تا این‌طور باشد. وقتی شاه تلگراف می‌کند و مرجع تعیین می‌کند، من نمی‌روم و اضافه می‌کند امیرالمومنین رفت در خانه نشستند نه در جنگ‌ها شرکت نه در غزوات. آل‌طه می‌گوید که فردا منعکس می‌شود که حسادت مانع شد. صافی می‌گوید اولاً ایشان با دولت طرف است آل‌طه روش مسالمت‌آمیز بود. ولی سیدمهدی و بالاخص صافی مخالفت‌های شدیدی ابراز می‌داشت.

آل‌طه خطاب به گلبایگانی اظهار داشت به عقیده من شما مثنی خود را تغییر ندهید. یعنی مطلب فوق‌الهدای نیست و شرکت بفرمایید. زیر کمتر جنگ

دوازدهم بهمن‌ماه ۱۴۰۰، روح آیت‌الله‌العظمی صافی گلبایگانی در سن ۱۰۲ سالگی به ملکوت اعلی‌ پیوست. ایشان داماد مرحوم آیت‌الله‌العظمی محمدرضا گلبایگانی بودند و از مراجع تقلید شیعیان به شمار می‌رفت. آیت‌الله صافی به همراه برادر خود، مرحوم آیت‌الله علی صافی گلبایگانی، جزو هیئت استفتائات و حلقه نزدیک به آیت‌الله گلبایگانی و محل مشورت ایشان در امور مختلف به‌حساب می‌آمدند.

سند زیر مربوط به شنود ساواک از یکی از این جلسات مشورتی است که ضمن آن آیت‌الله صافی سخنان صریحی درباره شاه بیان کرده و می‌گوید کفر شاه صدمرتبه ثابت شده است. متن این سند به شرح زیر است:

«بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۴۹/۳/۱۲ جلسه‌ای در منزل گلبایگانی با حضور سیدمحمد آل طه، سیدمهدی گلبایگانی، لطفالله صافی و آیت‌الله گلبایگانی به مناسبت فوت آیت‌الله حکیم و تلگراف‌علیحضرت به شریعتمداری تشکیک و بحث پیرامون شرکت گلبایگانی در مجلس ختم متشکله از طرف شریعتمداری در مسجد اعظم شروع می‌شود. در این جلسه نقش آیت‌الله گلبایگانی و آل‌طه روش مسالمت‌آمیز بود. ولی سیدمهدی و بالاخص صافی مخالفت‌های شدیدی ابراز می‌داشت.

آل‌طه خطاب به گلبایگانی اظهار داشت به عقیده من شما مثنی خود را تغییر ندهید. یعنی مطلب فوق‌الهدای نیست و شرکت بفرمایید. زیر کمتر جنگ

شاه‌عسکری

# دروغی به نام صادرات نظامی رژیم پهلوی

یکی از موارد پیش گفته در آن دوران باشد، دیده نمی‌شود. لیکن، اسنادی در وزارت جنگ حکومت پهلوی وجود دارد که مؤید معاملات تسلیحاتی ایران با سایر کشورها می‌باشند. از جمله کشورهایی که حکومت پهلوی با آنها تجارت تسلیحاتی داشته و محصولات تولیدی وزارت جنگ را به آنها می‌فروخته است، می‌توان به کشورهای مصر، چاد و گابن اشاره نمود. از مطالعه این اسناد مطروح فوق نیز نتایج زیر حاصل می‌گردد:
۱) قویترین سلاح‌های فروخته شده با اهدا، گردیده، شامل تیربار ۳ و خمپاره‌انداز ۸۱ میلیمتری است که اولی با نظارت آلمانیها ساخته می‌شد و دومی، جزو سلاح‌های هدایی از سوی ارتش آمریکا بوده است.
۲) تقریباً بیش از ۷۵ درصد سلاح‌های مورد بحث، ساخت ایران نبوده و در قالب کمک‌های بلاعوض به ایران واگذار شده است. نکته حائز اهمیت آنکه، دولت شاهنشاهی

کشورهایی که صاحب صنایع نظامی هستند، تولیدات و محصولات خود را با هدف ارائه برای فروش و با هدف کاهش قیمت و کسب در آمد، در زمانبشیا مورد استفاده قرار داده یا در نمایشگاههای مختلف آنها را در مقابل دید و نظر عموم قرار می‌دهند. اطلاعات تخصصی صنایع مورد نظر نیز به صورت بروشور در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد. در همین ارتباط، می‌توان به اظهارات ارتشید طوفانیان معاون وزیر جنگ و رئیس خریدهای تسلیحاتی وزارت جنگ استناد نمود.
یادشده در مصاحبه‌ای که سال ۱۳۶۶ در آمریکا انجام داده است، از ساخت تفنگ ۳، مسلسل ۱۸۱، گلوله توپ ۱۵۵ میلیمتری و خمپاره‌اندازهای ۸۱ و ۱۲۰ میلیمتری، به عنوان محصولات کارخانه‌های سازمان صنایع نظامی نام می‌برد.
بر بررسی سوابق حکومت پهلوی دوم، هیچ فرینه یا اسندی که مر تبط با محقق شدن

انقلاب از قاب

